فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال سیزدهم، شماره سی و چهارم، تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷
پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱
صفحات: ۵۷-۴۳
10.52547/mmi.618.14010711

# واکاوی تأثیرات عوامل حسادت و رقابت در روند ساخت و عملکرد بناهای تاریخی صفوی و قاجار اصفهان

آزاده حریری* بهنام پدرام**



## چکیده

در خلق میراث معماری ایران عوامل متعددی تأثیرگذار بوده‌اند و به دلیل تعدد این عوامل، غالباً وجوه فیزیکی که زمینه ادراک ملموس داشته، تحلیل شده‌اند. این در حالی است که وجوه تأثیرگذار دیگری با ماهیت غیرفیزیکی در بستر ارتباطات انسان و بنا، در شکل‌گیری ساختار معماری اثرگذار بوده است. خصوصیات اخلاقی انسان‌ها در قالب بانیان، معماران، هنرمندان و کاربران ابنیه نیز در شکل‌گیری ساختار کالبدی و کارکردی بناهای تاریخی تأثیرگذار بوده است. عوامل حسادت و رقابت به‌عنوان گونه‌ای از احساسات و هیجانات انسان، در روند ساخت و نظام عملکردی برخی از بناهای تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار تأثیرگذار بوده است. در این دوران آفرینش‌های معماری، گاهی ابزاری برای نمایش شوکت و منزلت اجتماعی بانی بوده است. مهجور ماندن جایگاه دو مؤلفه حسادت و رقابت به‌عنوان احساس و متغیری تأثیرگذار در پیوند انسان و بنای تاریخی، انگیزه اصلی ورود به پژوهش حاضر بوده است. در این راستا پرسش اصلی تحقیق این است که تأثیرات عوامل حسادت و رقابت در ساختار بناهای تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار چگونه بوده است؟ همچنین هدف اصلی در جهت پاسخ‌گویی به پرسش اصلی به این قرار است: با تحلیل نحوه تأثیرات حسادت و رقابت به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین در پیوند انسان و بناهای تاریخی، به تبیین نشانه‌هایی که در ساختار بناهای تاریخی اصفهان بر جای مانده، پرداخته شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف توسعه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده و یافته‌ها طبق روشی کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر تحلیل شده‌اند. دستاورد پژوهش، دسته‌بندی و تبیین زمینه‌های بروز حسادت و رقابت در ساختار ابنیه تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار است؛ به گونه‌ای که مصادیقی از تأثیرگذاری این متغیرها را در نظام کالبدی و کارکردی و معنایی این آثار مشخص می‌کند. به‌طورکلی بر اساس نتایج تحقیق می‌توان نسبت تأثیرات حسادت و رقابت را در ساختار بناهای تاریخی در هشت حوزه کلی واکاوی نمود: ۱. علت و انگیزهٔ بانی در سرمایه‌گذاری ساخت بنا، ۲. ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون، ۳. ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون در همسایگی یکدیگر، ۴. خلق و ترکیب فضاها و عناصر معماری نامتعارف، ۵. تغییر عملکرد فضاها و عناصر معماری، ۶. ایجاد افزوده‌های نوین در چیدمان داخلی و سازمان‌دهی، ۷. توسعه بنا و ۸. تعیین جای‌نام اثر.

**کلیدواژگان:** اصفهان، بناهای تاریخی، روابط انسان و بناهای تاریخی، حسادت و رقابت.

* دانش‌آموخته دکتری تخصصی، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). haririarc@gmail.com
** دانشیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

## مقدمه

آنچه امروزه به‌عنوان کالبد میراث معماری به انسان‌های معاصر عرضه می‌شود، نتیجه نهایی مسیر آفرینش، تداوم و تحولات اثر معماری است. درواقع عواملی همچون اندیشه‌ها، خیال‌ها، احساسات و شاخصه‌های اخلاقی فردی و جمعی، نظام صنفی و حرفه‌ای معماری، کارگزاری و بانی‌های میراث معماری، هرکدام مؤلفه‌ای تأثیرگذار در ساختار اثر معماری به شمار می‌روند. از آنجا که پیوند انسان و ابنیه تاریخی به‌صورت آمیخته با مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی در متون تاریخی ذکر شده، غالباً در مطالعات معماری توجه به این پیوند مهجور مانده است. درواقع، برخی تفکرات و پنداشت‌های انسانی در ساختار میراث معماری تأثیرگذار بوده‌اند؛ اما به علت بدیهی بودن کمتر در مطالعات معماری و حفاظت مورد توجه قرار گرفته‌اند. امروزه برای شناخت ابعادِ متنوع ابنیه تاریخی و تبیین مبانی نظری حفاظت، شناخت مؤلفه‌های متنوع تأثیرگذار در ساختار آن‌ها ضرورت دارد. درواقع در جهانی که به‌طور فزاینده در معرض فشارهای جهانی‌سازی و همگون‌سازی است؛ تبیین مؤلفه‌های متنوع تأثیرگذار در شاکلهٔ میراث معماری، در وضوح بخشیدن به حافظه جمعی بشریت نقش بسزایی خواهد داشت. از این جهت در این مقاله با بهره‌گیری از اسناد و متون تاریخی و تکیه بر مطالعات انجام‌شده، به تبیین ارتباط عوامل حسادت و رقابت با ساختار بناهای تاریخی اصفهان پرداخته می‌شود.

حسادت و رقابت نمونه‌ای از احساسات و ویژگی‌های خلقی انسان است که در آفرینش، ساختار کارکردی و چیدمان فضاهای داخلی ابنیه تأثیرات بارزی را بر جای گذاشته است. حسادت از نوع احساسات منفی است و با مشاهده امتیاز و قابلیت‌هایی که انسان ندارد یا آرزوی داشتن آن را دارد، به او دست می‌دهد (گورنیه و روسو، ۱۳۸۵: ۱۳). همچنین حسادت، احساسی جهانی است و غالباً بین مردم جهان با فرهنگ‌های متنوع رایج است (DeSteno et al., 2006: 426-641). درواقع حس حسادت در بسترهایی که مردم خود را با دیگران مقایسه کرده و ادراک کنند که از دیگری کمتر هستند، حضور دارد. گاهی هیجانات منفیِ ناشی از حس حسادت، انگیزهٔ برخی از بانیان در حمایت و بنیان‌گذاری ابنیهٔ ارزشمند تاریخی در ایران بوده است. همچنین در مواردی پرهیز از برانگیختن حس حسادت در افراد بیگانه نیز، تأثیرات مشخصی در ساختار کالبد و عملکرد بناهای تاریخی بر جای گذاشته است. بلندپروازی‌ها و رقابت‌های بین افراد در ارتباط با میراث معماری صفوی و قاجار اصفهان نیز، غالباً بدین صورت بوده است که انسان در جایگاه بانی، معمار، استادکار و شاگرد به دنبال کسب نام و نشان و منزلت والاتر به‌واسطهٔ آفرینش یک اثر معماری ویژه بوده است. هر اندازه قدرت، جایگاه اجتماعی، ثروت و دانش این افراد بیشتر باشد، معمولاً سطح رقابت بالاتر بوده و بناهای فاخر و ارزشمندتری به دنبال این رقابت‌ها خلق می‌شده است. به‌طوری که گاهی برای پیشتاز بودن یک اثر معماری، به قتل معمار شایسته آن بنا اهتمام می‌ورزیدند یا همچون ولید بن عبدالملک، ششمین خلیفه امویان، عمل می‌کردند؛ در سال ۹۶ه.ق.، هزینه‌های بسیار گزافی را برای ساخت مسجد دمشق در رقابت با کلیسای یحیی خرج کرد.[1] تاکنون در مطالعات میراث معماری ایران به جایگاه حسادت و رقابت به‌عنوان مؤلفه‌هایی تأثیرگذار در ساخت بناهای تاریخی توجه نشده است که از زمینه‌های نوآوری در این پژوهش به شمار می‌رود. درواقع حسادت و رقابت، نیروهای پنهانی در آفرینش برخی از بناهای تاریخی ایران بوده‌اند. البته حس حسادت در خارج از ایران نیز با آفرینش ابنیه همراه بوده است. در این رابطه می‌توان به دیوار حسادت در ایرلند به‌عنوان یکی از سازه‌های تاریخی، جاذبه‌های معماری و گردشگری در این کشور اشاره نمود.[2] همچنین، در مقابل مسجدالنبی اولین مسجدی که به دست پیامبر در مدینه ساخته می‌شود و در شکل‌گیری الگوی کلی مساجد در جهان اسلام تأثیرگذار بوده، مسجدی دیگر به دست ابو عامر، یکی از دشمنان پیامبر از روی حسادت و رقابت با پیامبر ساخته می‌شود؛ مسجد ضرار (دستغیب، ۱۳۶۲: ۴۹۹). به‌طور کلی حسادت غالباً در جامعه به‌عنوان پارامتری غیراخلاقی شناخته شده و باعث کاهش منزلت اجتماعی افراد می‌شود. اما این احساس منفی گاهی در تاریخ اجتماعی ایران هم‌پیوند با آفرینش میراث معماری با فزونی منزلت اجتماعی برای بانیان حسدورز همراه شده است. بر این اساس در این پژوهش به‌صورت نوآورانه به واکاوی زمینه‌های اجتماعی حسادت و رقابت به‌عنوان احساسات و شاخصه‌های اخلاقی انسان، که در عین منفی و مخرب بودن نسبی، می‌توانند در آفرینش بناهای تاریخی ماندگار تأثیرگذار باشند، پرداخته می‌شود. درواقع این پژوهش در پی دست‌یابی به چگونگی تأثیرگذاری جایگاه حسادت و رقابت انسان در وجوه کالبدی، کارکردی و معنایی بناهای تاریخی اصفهان با واکاوی در مستندات، متون تاریخی و تاریخ شفاهی است.

## پیشینه پژوهش

محورهای این پژوهش را از منظر سوابق پژوهش می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ دسته اول: بررسی چیستی حسادت

و رقابت، دسته دوم: تحلیل پیوند انسان و مکان با تأکید بر مراتب هم‌پیوندی حسادت و رقابت با بناهای تاریخی دوران صفوی و قاجار اصفهان. در رابطه با محور اول، "گورینه و روسو" در کتاب "غلبه بر حسادت" به بیان ریشه‌ها، مراتب و آثار حسادت در رفتار پرداخته‌اند. "گوردون کلیتون" معتقد است؛ احساس حسادت در بین افراد، غالباً در زمینه مواجهه با ثروت، منزلت و قدرت و این‌که این وجوه چگونه توزیع می‌شوند، بروز می‌یابد (Clanton,2006:411). در متون اخلاقی نیز در رابطه با حسادت و رقابت به تفصیل بحث شده است. برای نمونه، "خواجه نصیرالدین طوسی" در "اخلاق ناصری" (۱۳۶۴) و "اخلاق محتشمی" (۱۳۳۹)، "محمد غزالی" در "احیاء علوم‌الدین" (۱۳۸۶) و "عبدالحسین دستغیب" در "اخلاق اسلامی" (۱۳۶۱)، به بررسی حسادت و رقابت و ابعاد متناظر با آن‌ها پرداخته‌اند. "سالووی" (۱۹۹۱)، نیز به مطالعه روان‌شناختی حسادت پرداخته است. به‌طورکلی در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، به حسادت در بستر جامعه‌شناسی کمتر توجه شده است.

در زمینه رابطه انسان و مکان، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. درواقع تا پیش از دهۀ ۷۰ میلادی در مطالعات انجام‌شده درباره ارتباط انسان با مکان، پیوند این دو، مورد توجه قرار نگرفته بود (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷). اکنون، مطالعات فراوانی با رویکردهای مختلف در زمینۀ پیوند انسان و مکان صورت گرفته که سه رویکرد: اثباتی، پدیدارشناسانه و ساختارگرا از مهم‌ترین آن‌هاست. "قیومی بیدهندی" و "شمس" (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به جایگاه تاریخ ذهنیت عامه، به‌عنوان رویکردی در تاریخ‌نگاری پرداخته‌اند که به‌واسطه آن شناخت ذهنیت و باورهای مردم عادی نسبت به مسائل مختلف همچون میراث معماری به منصه ظهور می‌رسد. در مقاله مذکور، به جایگاه ذهنیت‌ها و باورهای انسان‌های تأثیرگذار در آفرینش ابنیه همچون معمار و بانی در ساختار معماری اشاره شده است. "ولی‌زاده اوغانی" و "وفایی پورسرخابی" (۱۳۹۷) در مقالۀ "اخلاق و ارتباط آن با معماری" به تبیین ارتباط اخلاق و معماری در سه حوزه کلی: اخلاق در حرفه معماری، اخلاق در طرح معماری و اخلاق متأثر از محصول کالبدی پرداخته‌اند.

در رابطه با نسبت حسادت و رقابت با میراث معماریِ دوره صفوی و قاجار اصفهان در محور دوم، می‌توان ادعا کرد که با خلاء پژوهشی مواجه است و واکاوی در اسناد، منابع مکتوب و تاریخ شفاهی در این حوزه مغفول مانده است. از این جهت، مقاله حاضر می‌تواند بخشی از خلاء پژوهشی را در این زمینه کاهش دهد.

## روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است که با بهره‌گیری از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و در نهایت تحلیل داده‌ها طبق روش کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر می‌باشد. تجزیه و تحلیل‌ها و فرایند شناخت در این پژوهش، نه تنها کالبد فیزیکی ابنیه را در بر می‌گیرد، بلکه بازشناسی ارتباط انسان و بنا را نیز شامل می‌شود. درواقع نخست، توصیفات تاریخی در ارتباط با پیوند حسادت و رقابت با ابنیه تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار از طریق واکاوی در اسناد، شواهد و متون تاریخی و تاریخ شفاهی مکتوب شده، بررسی شده در ادامه، با تطابق ساختارهای کالبدی و عملکردی ابنیه تاریخی و توصیفات تاریخی مرتبط با هدف پژوهش، تحلیل‌ها ارائه شده است. جامعه آماری برای انجام پژوهش بر مبنای امکان کسب اطلاع از قدمت بنا و قرار گرفتن زمان آفرینش آن در بازۀ زمانی عصر صفوی تا پایان قاجار است. پارامتر موقعیت مکانی در محدوده شهر اصفهان و گزینش محلات متنوع و تاریخی شهر همچون (خوراسگان، جماله، دردشت، نیماورد، تل‌عاشقان، پشت‌بارو، حکیم، جلفا، خواجو) است. نمونه‌گیری تحقیق هدفمند انجام شده است؛ انتخاب بنا از جامعه آماری براساس سنجه و معیار مشخصی بوده است. به‌طوری که در انتخاب نمونۀ مطالعاتی از جامعۀ آماری پژوهش، سنجه سندپژوهی نقش بنیادین داشته است. بر مبنای سنجه سندپژوهی به بناهای تاریخی از جامعه آماریِ پژوهش مراجعه می‌شود که پیرامون آن‌ها، برخی از اسناد و شواهد تاریخی در مورد تأثیرگذاری روابط انسانی در ساختار بنا در قالب احساسات و مؤلفه‌های حسادت و رقابت در دسترس باشد. همچنین به‌منظور تعمیم‌پذیری نمونه‌های انتخابی به کل جامعه آماری پژوهش، این ابنیه از محلات تاریخی مختلف شهر اصفهان با کاربری‌های متنوع انتخاب شدند.

## واکاوی عوامل حسادت و رقابت در بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران صفوی و قاجار

حسادت یا رقابت ازجمله عوامل تأثیرگذار در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران صفوی و قاجار بوده است. حسادت یا رقابت در دوره صفوی بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلفی از مردم وجود داشته و از عوامل بنیادین و تأثیرگذار در بسیاری از عرصه‌ها بوده است. برای نمونه، تلاش بسیار امیران جهت کسب مناصب بالای حکومتی و رقابت بی‌وقفه در این عرصه، تسلط حس

ترس و توطئه را بین عاملین عرصه سیاست داشته است. در تذکره‌های دوره صفوی همچون تذکرهٔ نصرآبادی به موارد بسیاری در این باره اشاره شده که امرای کشور به‌واسطهٔ حسادت و سعایت حاسدان و به دنبال آن غضب پادشاهان، معزول و محبوس شده یا به قتل رسیده‌اند (علیزاده مقدم، ۱۳۹۸: ۴۰). از این جهت در رفتارهای اجتماعی خود تا جایی که برایشان امکان‌پذیر بود، از برانگیختن حس حسادت دیگران پرهیز می‌کردند. در دوره قاجار به علت تعداد بسیار شاهزادگان قاجاری، برخی از آن‌ها بعد اتمام تحصیلات، از امکان دست‌یابی به مقام و جایگاه سیاسی مطلوب و همگون با شاهزادگانی که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، محروم می‌ماندند. از این جهت حس رقابت و گاهی حسادت بین آن‌ها در فضای اجتماعی و سیاسی آن دوره، تأثیرات بنیادینی را بر جای گذاشته است (شیری، ۱۴۰۰: ۱۲۳-۱۲۲).

همچنین در منابع تاریخی ذکر شده است که « طبقه اعیان مردم در دوره قاجار، هرگز دمی بر جان و مال خود ایمن نیستند» (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۶۰). درواقع، شیوهٔ حکومت و خلق‌وخوی پادشاهان قاجار اثر شومی در اخلاق عامه مردم داشته است. به‌طوری که مردم به مِلک و مال خود ایمن نیستند و این ناامنی ترغیب حس حسادت را در امور مادی مردم به همراه داشته است (راوندی، ۱۴۰۱: ۸۲۵).

در فرهنگ عامهٔ دوران صفوی و قاجار، حسادت بسیار جدی تلقی می‌شد و اعمالی در برابر چشم بد و تأثیرات منفی حسادت دیگران انجام می‌شد. باور به تأثیراتِ منفی حسادت یا چشم بد و چشم‌زخم در ایران رایج بوده است. از این جهت راهکارهایی همچون شکستن تخم‌مرغ، آویزان کردن نمک و اسپند، قربانی کردن و اسپند دود کردن را برای رفع تأثیرات منفی حسادت و چشم‌زخم انجام می‌دادند. همچنین برخی ذکرها، دعاها و آیات قرانی نیز برای مصون ماندن در برابر حسادت دیگران خوانده می‌شد (شفیعی، ۱۳۹۶: ۹۲).

به‌طورکلی در جامعه دوران صفوی و قاجار، مردان و زنان در راستای ایفای کارکردهای اجتماعی نقش های متنوع خود در زندگی در جهت اموری همچون موفقیت در کسب و کار، افزایش درآمد، یافتن شغل و رونق حرفه، کسب منزلت اجتماعی و روابط حاکم در زندگی گسترده در عرصه مناسبات خانوادگی با یکدیگر به رقابت می پرداختند و گاهی رقابت در این عرصه ها با احساسات منفی همچون حسادت نیز هم پیوند بوده است.

## زمینه‌های بروز عوامل حسادت و رقابت در آفرینش بناهای تاریخی شهر اصفهان

به طورکلی عوامل مادی و غلبه تفکر مادی‌گرایی در شیوه زندگی در ایجاد احساس حسادت و رقابت نقش بسزایی دارند. مادی‌گرایی معادل غلبه ارزش‌های مادی و دنیوی بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی در شیوه زندگی است. در تفکر مادی‌گرا بهره‌مند بودن از امتیازات مادی در بسترهایی همچون مصرف، رفاه، مدگرایی، انباشت ثروت، تفریح و خودنمایی حق مسلم هر انسان است. در نتیجه محرومیت از امتیازات ذکرشده، احساس محروم ماندن انسان را نسبت به دیگری که دارای این امتیازات است و حس بی‌عدالتی و در نهایت متجلی شدن احساس حسادت را به همراه دارد. درواقع نابرابری‌های اجتماعی نقش بنیادینی در ایجاد حس حسادت ایفا کرده است. در زمینه بروز این حس که با آفرینش بناهای تاریخی هم‌پیوند بوده است، غالباً نابرابری‌ها در موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی افراد یا در بسترهای درون‌خانوادگی ریشه داشته است. همچنین رقابت‌های حرفه‌ای و مقایسه موقعیت اجتماعی یکی از فاکتورهای بنیادین در تحریک حسادت بین افراد است (Clanton,2006:410-413). زمینه‌های بروز حسادتِ هم‌پیوند با بناهای تاریخی در چهار رده قابل بررسی است. رقابت با دیگری و داشتن انگیزه در به دست‌آوردن موقعیتی نوین و داشتن تجربه تحقیر شدن، معمولاً با تحریک حس حسادت همراه بوده است. همچنین پرهیز از حسادت دیگران نیز نشانه‌های بارزی در ساختار بناهای تاریخی اصفهان همچون تغییر عملکرد فضاها و عناصر معماری و ایجاد آرایه‌ها و عناصری در راستای رفع چشم‌زخم در نظام چیدمان داخلی برجای گذاشته است.

گاهی حسادت و رقابت در آفرینش میراث معماری با تقلید نیز هم‌پیوند شده است. تقلید با توجه و تمرکز بیشترِ فرد مقلد بر وجوه معماری و جزئیات آن و در مواردی نیز با بروز خلاقیت همراه بوده است (Rook & Van Knippenberg, 2011:347,353). بدین‌سان از بنایی که در اثر حسادت و رقابت بین انسان‌ها در مقام‌ها و نسبت‌های مختلف تقلید شده؛ در پاره‌ای از موارد با بروز تقلید خلاقیتی همراه بوده و معماری مقلد معمولاً بیانی سرآمدتر در عرصه شهر دارد. برای نمونه، کلیسای بتلهم که تقلیدشده از کلیسای مریم است از نظر گنبد به شاخص‌ترین کلیساهای ارامنه جلفا اصفهان مبدل می‌شود. همچنین بسیاری از ایران‌شناسان و اهل فن معتقدند که گنبد خاگی (تقلیدشده از گنبد خواجه نظام‌الملک) از نظر زیبایی‌شناسی و ظرافت به مراتب

ارزنده‌تر از گنبد خواجه نظام‌الملک است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۸۴)، (تصویر ۱).

## تحلیل مصادیق از تأثیرگذاری عوامل حسادت و رقابت در ساختار بناهای تاریخی شهر اصفهان در دوران صفوی و قاجار

### - رقابت با دیگران

برخی از افراد در دوران صفوی و قاجار که دارای توان مالی کافی بودند، اقدام به ساخت ابنیه می‌کردند. انگیزهٔ عده‌ای از احداث ابنیه، رقابت و داشتن احساس حسادت نسبت به دیگری بوده است. در دوره قاجار برخی بناها و فضاهای شهری به دست شخصیت‌های سیاسی در رقابت با ابنیه و فضاهای شهری شاخص دوره صفویه در اصفهان ساخته شد. برای نمونه، در دوره صفوی محله عباس‌آباد هفت مدرسه داشت. در دوره قاجار صدر اصفهانی در رقابت با هفت مدرسه صفوی محله عباس آباد، هفت مدرسه جدید را در اصفهان احداث نمود. فضا و حجره‌های مدرسه صدر تقریباً مشابه مدرسه چهارباغ است. همچنین در چهارگوشهٔ این مدرسه چهار خلوت کوچک مشابه با خلوت‌های مدرسه چهارباغ وجود دارد. چهارباغ صدری نیز از جمله فضاهای شهری است که در رقابت با چهارباغ عباسی ایجاد می‌شود. همچنین در مجاورت عمارت هفت‌دست صفوی، عمارت هفت‌دست صدری ساخته شد (همایی شیرازی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۴۰۴). درواقع رقابت صدر اصفهانی در عمران و آبادانی اصفهان در مقایسه با آنچه در دوره صفوی ساخته شده، در زمینه کمیت و تعداد آثار ساخته‌شده (هفت مدرسه صدری در رقابت با هفت مدرسه صفوی محله عباس‌آباد و تشابه فرمی و سازماندهی فضایی بین مدارس صدری و صفوی)، نوع معماری و فضای شهری (احداث کاخ و خیابان همچون همتایان آن در دوره صفوی)، هم‌جواری آثار معماری (مجاورت هفت‌دست صفوی و صدری) و تعیین جای‌نام‌های مشابه (تعریف جای‌نام‌های مشابه با آثار صفوی همچون چهارباغ صدری و هفت‌دست صدری) بروز یافته است (تصویر ۲).

برخی از بانی‌ها برای این‌که بنایی که ساخته می‌شود، بی‌نظیر باشد و در آینده بنایی برجسته‌تر از آن ساخته نشود، به سراغ معماران توانمند می‌رفتند. گاهی نیز بعد از اتمام ساخت بنا، فرد معمار را از فراز همان عمارت به پایین می‌انداختند تا به زندگی‌اش پایان دهند. علت این کار توانمندی بالای معمار بوده است. حس حسادت و رقابت کارفرما و بانی نسبت به این‌که بنایی بهتر از ساختمانی که او بانی و کارگزار آن بوده است، ساخته نشود؛ باعث می‌شد که ادامه حیات معمار ساختمان را در جهت نیل به برجسته‌سازی و منحصربه فرد بودن اثر خود در شهر، مانعی به شمار آوردند. درواقع از ترس این‌که معمار توانمند در آینده عمارتی فاخرتر نسازد، به زندگی او بعد از اتمام فرایند ساخت، پایان می‌دادند. پس به‌طورکلی گاهی معمار ساختمان نیز زمینه حسادت و رقابت را فراهم می‌آورده است. در مواردی در متون تاریخی و داستان‌های وابسته به معماری ذکر شده که در جهت رفع آن به زندگی معمار پایان می‌دادند.[۳] برای نمونه، می‌توان به داستان سنمار و شید در هفت‌پیکر نظامی گنجه‌ای اشاره نمود.[۴] از سنمار در مقام معمار و مهندس خواسته می‌شود کاخی سازد که نمونه‌ای بلندتر و باشکوه‌تر از آن در کل جهان نباشد. بعد از پایان احداث ساختمان و تشخیص توانمندی فوق‌العاده معمار، او را از بالای همان ساختمان به پایین انداختند تا به‌طور نسبی

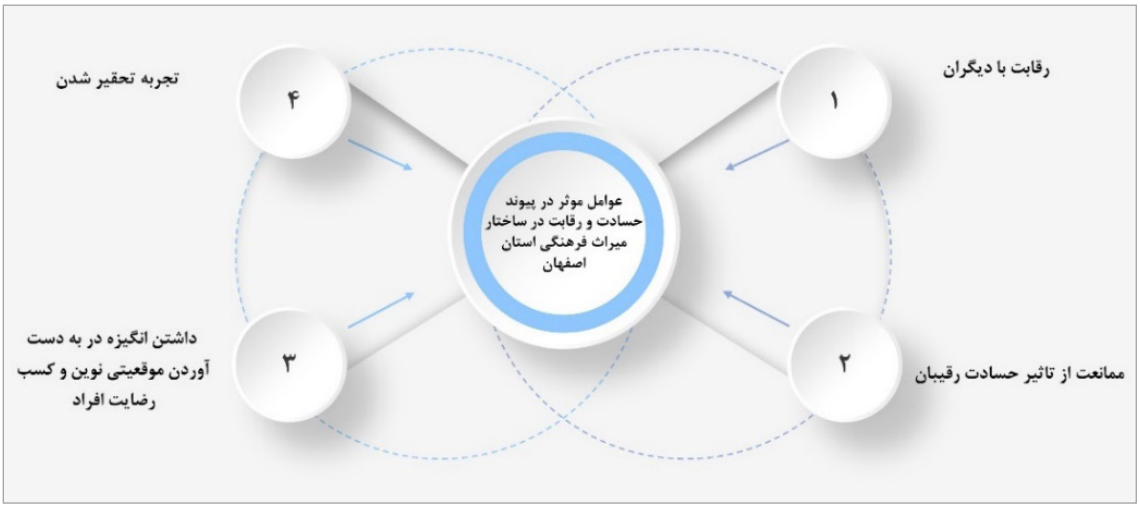


تصویر ۱. تبیین عوامل مؤثر بر پیوند حسادت و رقابت در ساختار بناهای تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار (نگارندگان)

اطمینان حاصل کنند که در آینده‌ای نزدیک عمارت‌شان رقیبی نخواهد داشت (خان‌محمدی، ۱۳۷۲). درواقع بانی برخی از ابنیه برای کسب منزلت اجتماعی و برانگیختن حس حسادت رقبا بر تفاوت‌های آن بنا در ساختار معماری تکیه می‌کردند و به‌واسطهٔ این تفاوت‌ها اثر معماریِ در تملک خود را در سطح شهر برجسته‌نمایی می‌کردند. تقلید از این اثر معماری یا آفرینش بنایی با وجوه تمایز فاخر، ناب بودن اثر معماری آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. از این جهت گاهی دست به اقداماتی عجیب نظیر از بین بردن معمار بنا می‌زدند یا گاهی اوج تفاوت و شکوه را درون اثر معماری جای می‌دادند و برای دسترسی به فضاهای درونی معماری قوانین و دسترسی‌های خاصی را تعریف می‌کردند تا در دسترس عموم قرار نگیرد. بدین‌سان از بروز حسادت و انگیزه‌بخشی رقابت بین سایر افراد جلوگیری می‌کردند.

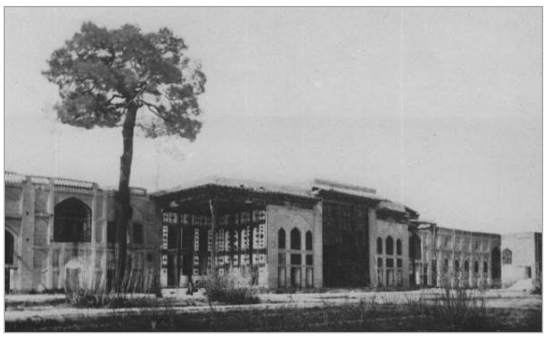

تصویر۲. مجاورت هفت‌دست صدری و هفت‌دست صفوی (هولستر، ۱۳۸۲)

یکی دیگر از مضامین رقابت در دوران صفوی و قاجار، معطوف به جامعه کوچکی از ثروتمندان اصفهان بوده است. بین ثروتمندان و اعیان اصفهان در آن دوران، احداث ابنیه ماندگار، شیوه‌ای بنیادین برای ارتقای منزلت اجتماعی به

تصویر۳. نقشه کاداستر محله دردشت و موقعیت خانه حریری و مسجد سرخانه (سازمان حفاظت آثار ملی،۱۳۵۲)

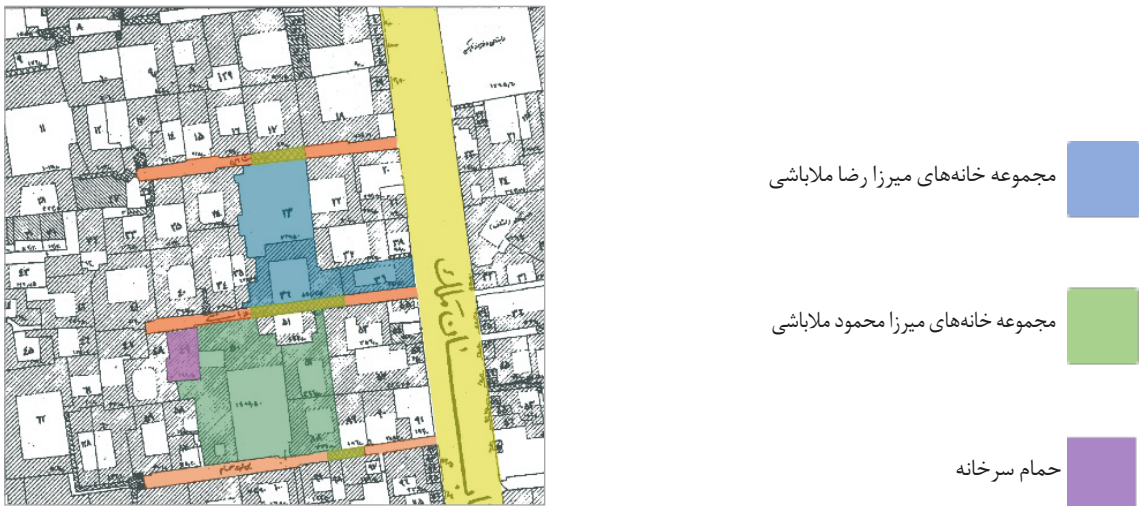


تصویر۴. موقعیت مجموعه خانه‌های ملاباشی در گذر ملاباشی در نقشه کاداستر (سازمان حفاظت آثار ملی ایران، ۱۳۵۴)

شمار می‌رفته است. به‌طوری‌که تحت‌تأثیر رقابت برخی از ثروتمندان و اعیان که در زمره خواص مردم بوده‌اند برای جلب توجه بیشتر عموم مردم، بناهای ماندگار ساخته می‌شد. "شاردن" در وصف ایرانیان ثروتمند می‌نویسد آن‌ها در ابتدا خانه‌ای برای خود می‌سازند و چنانچه ثروت و مالی برایشان باقی ماند؛ در نزدیکی خانه بنای عام‌المنفعه‌ای نظیر بازار، گرمابه، قهوه‌خانه، کاروان‌سرا، مسجد، پل و راه احداث می‌کنند (شاردن،۱۳۷۹: ۱۳). "پولاک" نیز در این باره می‌نویسد؛ یکی از خصوصیات ایرانی‌ها این است که به محض آنکه به مقامی، قدرتی و ثروتی برسند، خانه جدیدی می‌سازند و آن را بدون اندازهٔ معقول توسعه می‌بخشند درواقع ایرانیان از ساختن و توسعه‌دادن لذت می‌برند. در اطراف خانهٔ آن‌ها افراد قوم و قبیله و بستگان و اعضای طایفه و از آن‌ها فراتر، نوکران و مراجعان زندگی می‌کنند. به‌طوری که پس از مدتی کوتاه آن مجموعه به محله‌ای از شهر تبدیل می‌شود (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۵). غالباً رقابت بین ثروتمندان اصفهان، منجر به توسعه مسکن آن‌ها می‌شده است. به‌طوری که ابتدا خانه تک‌هسته‌ای به مجموعه‌ای چنددستگاه مبدل می‌شده،[5] سپس با فزونی ثروت، ساخت بناهای هم‌پیوند با خانه همچون مسجد سرخانه و حمام سرخانه آغاز شده و در رده‌های بالاتر از انباشت ثروت، بناهای عام‌المنفعه در مجاورت خانه همچون بازارچه و کاروان‌سرا شکل می‌گرفته است (تصاویر ۳ و ۴).

رقابت بین استاد و شاگرد نیز در آفرینش برخی از آثار معماری ایران همچون مسجد استاد و شاگرد تبریز و احداث مناره‌های مسجد جامع یزد برقرار بوده است. این رقابت در احداث ایوان غربی و شرقی مسجد جامع عتیق اصفهان نیز تأثیرگذار بوده است. به‌طوری که نشانه این رقابت در جای‌نام دو ایوان این مسجد ثبت شده است. ایوان غربی به دست استاد با حوصله و صبر ساخته شد در حالی که شاگرد در رقابت با استاد، ایوان شرقی را مدت اندکی به اتمام رسانید و عجله شاگرد در طی کردن مسیر ترقی و رقابت با استاد منجر به آفرینش اثری ضعیف‌تر نسبت به ایوان استاد گردید (صافیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۲۵۹۰). در نظام استاد- شاگردی معماری سنتی ایران، دوره زمانی ثابت و مشخصی برای گذر از مرتبه شاگردی و رسیدن به درجه استادی وجود نداشته است. درواقع وابسته به استعداد و پشتکار شاگردان، مدت زمان دوران شاگردی برای افراد مختلف متفاوت بوده است. از این جهت، همواره رقابتی بین شاگردان برای رسیدن به درجه‌ای مشابه از دانش و توانایی استاد وجود داشته است (قاسمی سیچانی، ۱۳۹۹: ۱۷۰). گاهی نیز این رقابت‌ها تأثیرات بنیادینی در ساختار بناهای تاریخی همچون مسجد جامع عتیق اصفهان برجای گذاشته‌اند.

در دورهٔ سلاجقه نیز رقابت بین دو تن از وزرا، خواجه نظام‌الملک و تاج‌الملک، باعث ایجاد دو گنبدخانه روی محور اصلی مسجد جامع عتیق اصفهان می‌شود. چنین ترکیب فضایی در سایر مساجد جهان اسلام مشاهده نمی‌شود و درواقع حسادت و رقابت بین این دو نفر باعث بروز افزوده‌ای نوین در ساختار مسجد شد. به‌طوری که ترکیب گنبدخانه‌ای در شمال مسجد برخلاف الگوهای رایج در سایر مساجد اتفاق افتاد و مسجد دارای دو گنبدخانه نسبتاً مشابه شد. گنبدخانه تاج‌الملک که متأخرتر ساخته شده، با این‌که ارتفاع و دهانه کمتری دارد؛ اما از نظر ظرافت و تنوع تزیینات از گنبدخانه نظام‌الملک پیشتاز است (تصویر۵).

**- ممانعت از تأثیر حسادت رقیبان**

گاهی اوقات ایرانیان به دلیل ممانعت از تأثیر حسادت دیگران، به تغییر عملکرد فضاها و عناصر معماری می‌پرداختند و از این جهت، برخی فضاها و عناصر ابنیهٔ تاریخی عملکرد اصلی خود را در گذشته ایفا نمی‌کردند. بنا بر توصیفات سیاحان اروپایی در دوره صفوی، ترس از حسادت‌ورزی مردم به شکوه

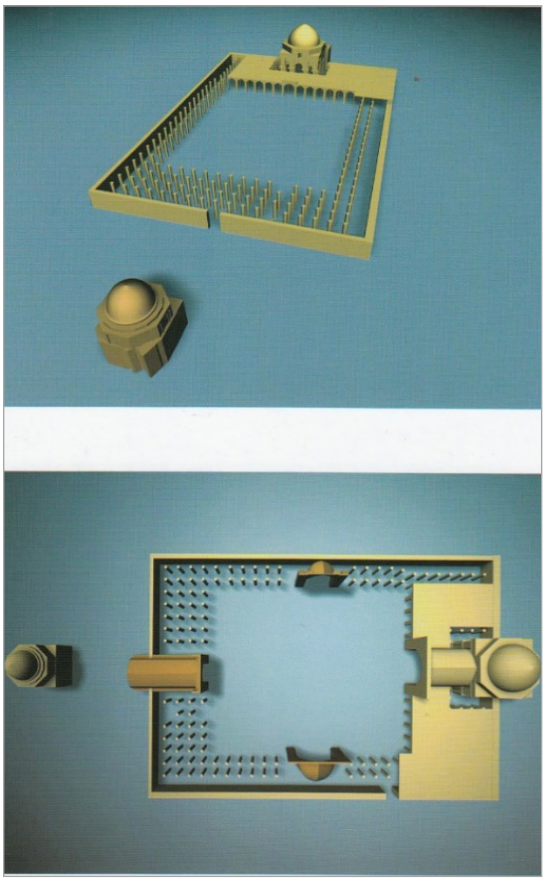

تصویر۵. ترکیب دو گنبدخانه خواجه نظام‌الملک و تاج‌الملک در ساختار مسجد جامع عتیق اصفهان در دوره سلجوقیان (معماریان، ۱۳۸۹)

و جبروت شاهی باعث شد چهار مناره رفیع مسجد جامع عباسی عملکرد اصلی یعنی اذان‌گویی را نداشته و تنها نقشی نمادین در منظر میدان نقش جهان و شهر اصفهان داشتند. درواقع از این‌که اذان‌گو بر فراز این مناره‌ها فضاهای درونی کاخ‌های دولت خانه صفوی را که مخصوص زندگی خانوادگی بوده مشاهده کند و دچار حسادت به این همه شکوه و جلال زندگی آن‌ها نشود، اذان‌گویی از این مناره‌های رفیع در مأذنه با ارتفاع کمتر انجام شد. در این باره در سفرنامه شاردن چنین بیان شده است: «چهار مناره مسجد با این‌که برای اذان ساخته شده است، هیچ‌کس در آن‌ها اذان نمی‌گوید و در گلدسته‌ای که با چوب ساخته‌اند [مأذنه واقع بر روی ایوان غربی] اذان گفته می‌شود و علت آن است که این مناره‌ها به قدری بلند است که از فراز آن‌ها حرمسرای سلطنتی و سایر سراها به خوبی دیده می‌شود و چون حسادت ایرانیان غیرقابل تصور است لذا اذان در آن‌ها منع شده است» (شاردن، ۱۳۷۹: ۴۱). همچنین در دوره قاجار تجار و بازرگانان در کنار علما و روحانیون از مرفه‌ترین و باثبات‌ترین عناصر جامعه ایران بودند. زندگی آن‌ها مرفه بود؛ با این حال شیوه زندگی آن‌ها به گونه‌ای نبود که توجه آزمندان و حسودان را جلب کند. به سختی، نشانه‌های معماری باشکوه خانه بازرگانان در میان خانه‌های دیگر در نمای خارجی و بافت شهری اصفهان قابل تشخیص بود. تجار و بازرگانان عمدتاً ظواهر بیرونی خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌ساختند که کم اهمیت جلوه کند تا خود را از حرص و طمع مقامات حکومتی، حسادت و چشم بد مصون نگه دارند (لندور، ۱۳۸۸: ۱۰۴). "دالمانی" چنین شرایطی را این‌گونه توصیف می‌کند: «ایرانی فوق‌العاده بیمناک است که مبادا نظر همسایگان و دیگران نسبت به آرایش و تجملات خانه او جلب شود. معماران جلوخان عمارات را حتی‌الامکان به‌طور ساده می‌سازند تا جلب توجه عابرین را نکند و در عوض داخل عمارت را مطابق سلیقه و ذوق صاحب‌خانه زینت و آرایش می‌دهند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۵۰). همچنین شاردن در این باره می‌نویسد: «ارتفاع دیوار خانه‌های اعیان و اشراف حتی از دیوار صومعه دختران تارک دنیا درمی‌گذرد» (شاردن، ۱۳۷۲: ۲۸۶). بسیاری از بزرگان و اعیان نیز خانه‌های چنددستگاه داشتند. دستگاهی به نام بیرونی یا سرپوشیده اختصاص به مراجعین و بیگانگان داشت تا به‌رغم حفظ محرمیت از زمینه‌های بروز حسادت و آشکارسازی دارایی‌های مجلل مالک برای بیگانگان پرهیز شود. درواقع منظور از ایجاد دستگاه مستقل بیرونی به‌رغم حفظ محرمیت، پرهیز از بروز حسادت نیز بوده است. "کمپفر" در این باره می‌نویسد: «در بنای اغلب خانه‌های ایرانی، و نه تنها کاخ‌ها، چنین به نظر می رسد که دو عامل دست‌اندرکار بوده‌اند یکی خوش‌گذرانی و دیگری حسادت. خوش‌گذرانی باعث شده است که ایرانی ها منزل خود را در باغی که حتی‌المقدور بزرگ است با آب فراوان، سایه، باغچه و چیزهای مطلوب از این قبیل قرار دهند. در اثر حسادت ایرانی‌ها ناگزیر شده‌اند که این باغ را با دیواری به دو نیم تقسیم کنند و به یک قسمت از آن که بیرونی می‌گویند بیگانگان و میهمانان را راه دهند و راه قسمت دیگر یعنی حرم را چنان با عالم خارج قطع کنند که حتی وفادارترین و یکدل‌ترین دوستان نیز جسارت نکند بدان گام بگذارد. زیرا در این قسمت کاملاً اختصاصی عرصه، منحصراً زنان، کنیزان و خواجه‌سرایان صاحب‌خانه که زوجه‌های متعدد دارد حق آمدوشد دارند و بس» (کمپفر،۱۳۶۳: ۱۸۸).

در زمینه ممانعت از تأثیر حسادت دیگران نیز باورهای عامیانه متنوعی وجود دارد که برخی از آن‌ها در چیدمان فضایی ابنیه تاریخی تأثیرگذار بوده است. یکی از این باورهای عامیانه چشم بد یا چشم‌زخم است. باور به چشم بد پشتوانه‌های مذهبی، عرفی و قومی نسبتاً نیرومندی در ایران دارد و منحصر به فرهنگ ایران نیست و در میان اقوام و جوامع دیگر نیز به‌طور تاریخی متداول بوده است. منظور از چشم بد یا چشم‌زخم، آزار و گزندی است که گمان می‌رود از تأثیر نظر و ذهنیت فردی نابرخوردار نسبت به بهره‌مندی فرد دیگری از موهبتی ایجاد می‌شود. جوهرهٔ اساسی این مسئله در خصلت حسادت نهفته و باورهای عامیانه‌ای چون آویزان کردن نمک و اسپند را در ابنیه به دلیل اعتقاد به خرده‌فرهنگ‌های ذکرشده به دنبال داشته است (شفیعی، ۱۳۹۶: ۹۲). درواقع این باور عامیانه که ریشه در خصلت حسادت دارد افزوده‌ای را تحت عنوان اسپند و نمک در چیدمان داخلی بناهای تاریخی ایران به همراه داشته که کاربرد آن در ابنیه مسکونی متداول‌تر بوده است. قرائت، تعویذ یا تابلو آیه «وَ إِنْ یَکادُ الّذینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَ ما هُوَ إِلّا ذِکْرٌ لِلْعالَمینَ» از سوره قلم به عنوان دفع چشم‌زخم حسدورزان بین مسلمین رایج بوده است. از این جهت در بسیاری از ابنیه تاریخی اصفهان بین لایه‌های متنوع تزیینات این آیه بر بستر دیوار یا سقف حک شده یا در قالب نوشته روی کاغذ در مکانی از ابنیه گذاشته می‌شده است (تصاویر ۸-۶).

**- داشتن انگیزه در به دست آوردن موقعیتی نوین و کسب رضایت افراد**

رقابت و چشم و هم‌چشمی در ازدواج ثروتمندان اصفهان و گاهی جریان زندگی خانوادگی گسترده نیز با آفرینش خانه‌های با ارزشی همراه بوده است. در این باره "دروویل" می‌نویسد:

«حرمسراهای ثروتمندان را می‌توان بی‌چون و چرا با بهشت واقعی روی زمین مقایسه نمود زیرا گذشته از تعداد زیاد زن‌های زیبا که در آن به سر می‌برند و هریک با چشم و هم‌چشمی سعی می‌کنند طرف توجه همسر ثروتمند خود قرار گیرند، همچنین حرمسراها آکنده از اشیای ضروری و تفریحی گرانبها است» (درورویل، ۱۳۶۷: ۶۷). در دوره قاجار حاج سید حسن نطنزی از بازرگان‌های نطنزی مقیم کاشان (معروف به بروجردی) عاشق دختر سید جعفر طباطبایی نطنزی یکی از بزرگ‌ترین تاجران فرش آن زمان می‌شود. جعفر طباطبایی برای رضایت دادن نسبت به ازدواج او با دخترش شرطی می‌گذارد. خانواده طباطبایی در خانه بسیار زیبایی که اکنون با نام خانه تاریخی طباطبایی‌ها شناخته می‌شود، زندگی می‌کردند و به حسن نظنزی اعلام می‌کنند که باید خانه‌ای همچون خانه طباطبایی احداث کنی تا اجازه ازدواج داده شود. حسن نظنزی قبول می‌کند و بعد ۷ سال ساخت بخش اندرونی به پایان می‌رسد و این زوج در خانه ساکن شده و بعد ۱۱ سال نیز تالار اصلی خانه تکمیل می‌شود. درواقع ساختار معماری خانه تاریخی طباطبایی‌ها و انگیزه ازدواج با دختر این خانواده، از مؤلفه‌های تأثیرگذار در آفرینش خانه تاریخی بروجردی‌ها بوده است. خانهٔ امین‌التجار نیز از نمونه‌های زیبا و تحسین‌برانگیز خانه‌های اعیانی تاجران قرن سیزدهم هجری قمری در شهر اصفهان بوده که به منزلهٔ مکانی برای برگزاری جلسات انجمن تجار کاربرد داشته است. خانهٔ امین‌التجار از نظر نقشه و برخی تزیینات شباهت بسیار زیادی به خانهٔ اعلم (افتخارالتجار) دارد و در نزدیکی این خانه در محلهٔ تل‌عاشقان واقع شده است. با این تفاوت که خانهٔ امین‌التجار از نظر تزیینات از خانهٔ اعلم (افتخارالتجار) پرکارتر است. بین آرایه‌های هر دو خانه تصاویری از شخصیت‌های خاندان امین‌التجار ازجمله سید محمدعلی و سید حبیب‌الله به چشم می‌خورد. مطابق تاریخ شفاهی به‌دست‌آمده، معمار خانه‌های امین‌التجار و اعلم (افتخارالتجار)، سید رضاخان بوده است و مالکان و بانیان اولیهٔ این خانه‌ها سید محمدعلی امین ملقب به امین‌التجار و برادرش سید احمد امین ملقب به افتخارالتجار بوده‌اند. روایت زندگی در این خانه‌ها بر این اساس بوده که ابتدا خانهٔ امین‌التجار ساخته شده و دو برادر به همراه همسر و فرزندان‌شان در این خانه زندگی می‌کردند؛ اما رقابت‌ها و حسادت‌های همسران آن‌ها سبب بروز اختلافات خانوادگی

تصویر۶. کاربرد آیه ۵۱ سوره قلم بین سطوح گچبری سردر ورودی خانه تاریخی شیران (نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۷. کاربرد آیه ۵۱ سوره قلم بین تزیینات حوض‌خانه جنوبی خانه تاریخی باجغلی (نگارندگان، ۱۳۹۱)

می‌شود؛ ازاین‌رو، دو برادر برای کسب رضایت همسران خود تصمیم می‌گیرند خانهٔ مشابه دیگری در محلهٔ تل‌عاشقان بسازند و مرزهای زندگی خانوادگی خود را تفکیک کنند. خانهٔ اعلم یا به‌عبارتی افتخارالتجار را همان معمار با الگوی مشابه خانهٔ امین‌التجار در همسایگی این عمارت ساخته است. درواقع حسادت و رقابت‌های درون‌خانوادگی سبب آفرینش دو خانه تاریخی نسبتاً مشابه در همسایگی یکدیگر در بافت تاریخی محله تل‌عاشقان بوده است (قاسمی سیچانی و حریری، ۱۳۹۹: ۸۶-۷۵)، (تصاویر ۱۱-۹).

ملاعبدالله شوشتری نیز از علمای زمان شاه‌عباس بود. جابری انصاری درباره او می‌نویسد: «میان شاه و مرحوم ملاعبدالله بر سر اراضی میدان و توابع مناقشاتی رفت که شاه بعضی مستملکات مردم را جزء میدان نموده بود و ملاعبدالله به خراسان رفت. شاه برای رضای او مدرسه ملاعبدالله را به نام آن مرحوم ساخت» (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۲۶۸ و صافیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۲۵۹۸). درواقع شاه عباس برای کسب رضایت یک شخصیت مذهبی و علمی مدرسه‌ای را به نام او احداث می‌کند تا با کسب رضایت او برای خود کسب منزلت اجتماعی تأییدشده از سوی علمای جامعه ایجاد نماید. دلیل اصلی آفرینش مسجدعلی نیز کسب رضایت در جهت ارتقای منزلت اجتماعی بوده است. سید جلال وجه تسمیه این بنا را این‌گونه توصیف می‌کند: «روزی سنجر به شکار بیرون رفته و سهوا تیرش به طفلی علی‌نام اصابت کرد و آن طفل مرد، سنجر ترضیه خاطر پدر و مادر، طفل را جسته و به آنان گفتند. ما میل داشتیم پسرمان بزرگ شود و کارهای بزرگ کند و نامش بماند. سنجر گفت که من برای بقای طفل شما مسجدی بنا می‌کنم که سالیان دراز بماند و این مسجد را به نام مسجدعلی بنا نهاد» (همان، ۱۳۹۶: ۲۵۹۱-۲۵۹۸).

**- تجربه تحقیر شدن**

یکی از زمینه‌های برانگیختن حس حسادت و رقابت در بین افراد، تجربه تحقیر شدن است. در تاریخ معماری ایران گاهی به واسطه ساختار کالبدی یا عملکردی ابنیه، زمینه مقایسه بین افراد فراهم آمده و این مقایسه بستری برای تحقیر نمودن افراد بوده است. بارزترین مصادیق آن در اصفهان، ارتباط بین تحقیر شدن خواجه پتروس و ممانعت او از ورود به کلیسای مریم بوده است که زمینه‌ای برای آفرینش کلیسای بتلهم می‌شود. درواقع حسادت و رقابت بین دو تن از بازرگانان برجسته ارامنه یعنی خواجه آودیک (بانی کلیسای مریم مقدس) و خواجه پتروس باعث آفرینش دو کلیسا در همسایگی و مجاورت یکدیگر می‌شود. درباره ارتباط این دو بنا در منابع تاریخی چنین نقل شده است: «بانی کلیسای حضرت مریم (خواجه آودیک) به خادم کلیسا دستور داده بود که در ایام روزه بزرگ، خواجه پتروس را به کلیسا راه ندهد تا حسادت او تحریک شود و خود کلیسایی بسازد. اما بنا بر اقوال دیگر، روز شنبه هفته بزرگ چنان ازدحامی در کلیسای حضرت مریم ایجاد می‌شود و زمانی که خواجه پتروس می‌رسد یا جایی برای نشستن نمی‌یابد یا نمی‌تواند وارد کلیسا شود؛ به همین جهت کلیسای بزرگ و پرعظمت بتلهم را در نزدیکی همان کلیسای حضرت مریم بنا می‌کند» (درهوهانیان،۱۳۷۹: ۵۲۶-۵۲۱). درواقع عدم حضور خواجه پتروس در مراسم مذهبی، به عنوان یک شخصیت پرنفوذ در جامعه ارامنهٔ زمان خود، باعث تحقیر شدن او می‌شود و برای جبران این مسئله و حفظ شأن و منزلت اجتماعی خود مبادرت به خلق کلیسای بتلهم در همسایگی کلیسای مریم مقدس می‌نماید. دو کلیسای مریم و بتلهم از نظر اجزای فضایی و سازمان‌دهی، الگوی نسبتاً مشابهی دارند. ارتفاع گنبد کلیسای بتلهم از همه کلیساهای محله جلفا بیشتر است و به عنوان نماد شاخصی از حضور ارامنه در اصفهان خودنمایی می‌کند. در منابع تاریخی ذکر شده که در گذشته از فواصل دور (حدود جاده شهرضا) گنبد کلیسای بتلهم مشاهده می‌شده است (آذری، ۱۳۵۰: ۲۸). درواقع کلیسای بتلهم که از روی حسادت و فزونی منزلت اجتماعی بانی ساخته شده است، از نظر ترکیب اجزا و عناصر فضایی، الگویی مشابه با کلیسای مریم دارد؛ اما گنبد کلیسا از نظر ساختار و ارتفاع به گونه‌ای طراحی شد که شاخص‌ترین

تصویر ۹. جبهه شمالی و غربی خانه تاریخی افتخارالتجار (نگارندگان، ۱۳۹۷)

تصویر ۱۰. جبهه شمالی خانه تاریخی امین‌التجار (نگارندگان، ۱۳۹۴)

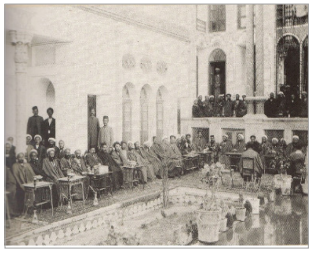

تصویر ۱۱. بخشی از جبهه شمالی و غربی خانه تاریخی امین‌التجار (فقیه حقانی، ۱۳۸۹)

گنبد کلیساهای ارامنه اصفهان است. مؤلفه‌های حسادت و رقابت به‌عنوان محرکه‌های انگیزه‌بخش برای آفرینش معماری با مؤلفه تقلید نیز همسو بوده‌اند. به‌طوری که دو بنا که در مواجهه حسادت و رقابت بانی‌ها نسبت به هم خلق می‌شدند، غالباً در آن‌ها وجوه تشابه گسترده‌ای قابل بازشناسی است؛ اما معمولاً بانی که نفوذ و قدرت بیشتری داشته، با اعمال پارامتری در ساختار معماری زمینه تشخص بیشتر اثر خود را فراهم می‌آورده است. در مورد دو کلیسای مریم و بتلهم، دو بنا از نظر اجزای فضایی و نحوهٔ ترکیب تشابه دارند. اما ساختار و ارتفاع گنبد بتلهم زمینه اصلی تمایز بین این دو کلیسا و حتی کلیسای بتلهم را در قیاس با سایر کلیساهای جلفای اصفهان ایجاد کرده است (تصویر ۱۲).

## یافته‌ها و بحث

ادراک پیوندهای عمیق در بین انسان‌ها و ابنیه تاریخی صفوی و قاجار اصفهان، تنها با جستجوی سطحی در ساختار کالبدی همچون شناخت مواد، مصالح و تزیینات به دست نمی‌آید. درواقع در لایه‌های معنایی و ساختار این بناها، جهان‌بینی، اندیشه‌ها، احساسات و نظام ارزشی و اعتقادی متفاوتی از انسان‌های هم‌پیوند با ابنیه نهفته است. به‌طوری که تفاوت‌های بنیادی و اصیل‌تر و همچنین فهم وجوه تشابه بین بناهای تاریخی را می‌توان در هستی‌شناسی و جهان‌بینی انسان‌هایی که در آفرینش و تداوم این ابنیه تأثیرگذار بوده‌اند نیز ردیابی و رصد کرد. رقابت و حسادت در زمینهٔ احداث بناهای ماندگار در دوران تاریخی صفوی و قاجار اصفهان، باعث به وجود آمدن الگوی مشخصی از تأثیرگذاری ارتباطات انسان‌های هم‌پیوند با برخی از ابنیه تاریخی این دوران شده است. این نظام ارتباطی گاهی با تقلید خلاق نیز همراه می‌شده است. درواقع نیروی حاصل از ارتباط انسان‌ها و بنا، نیرویی قوی و تأثیرگذار در ساختار بناست. این نیروی ناپیدا در نظم بخشیدن به ساختار ابنیه تأثیرگذار بوده است؛ اما چون از چشم‌ها پنهان است و در زیست انسان امروزی کمتر مداخله‌ای دارد، جایگاه آن در خواندن و فهمیدن بناهای تاریخی مغفول مانده است. برای حفاظت این ابنیه، بایستی لایه‌های ارتباطی متنوع انسان‌ها و بنا را در گذر ایام به خوبی فهم کرد و نسبت آن‌ها را با این آثار درک کرد و سپس بخش عملی حفاظت را آغاز نمود.

حسادت و رقابت انسان‌های هم‌پیوند با ابنیه تاریخی صفوی و قاجار اصفهان در قالب چهار حوزه: رقابت با دیگران، پرهیز از برانگیختن حس حسادت‌ورزی و رقابت دیگران، داشتن انگیزه در به دست آوردن موقعیتی نوین و کسب رضایت افراد و تجربه تحقیر شدن در ساختار این ابنیه، نشانه‌هایی را بر برجای گذاشته‌اند. این نشانه‌ها تأثیراتی را در ساختار کالبدی، نحوه ترکیب فضاهای معماری، سازماندهی فضایی، تزیینات، توسعه بنا، نظام عملکردی و جای‌نام‌ها برجای گذاشته‌اند (جدول ۱).

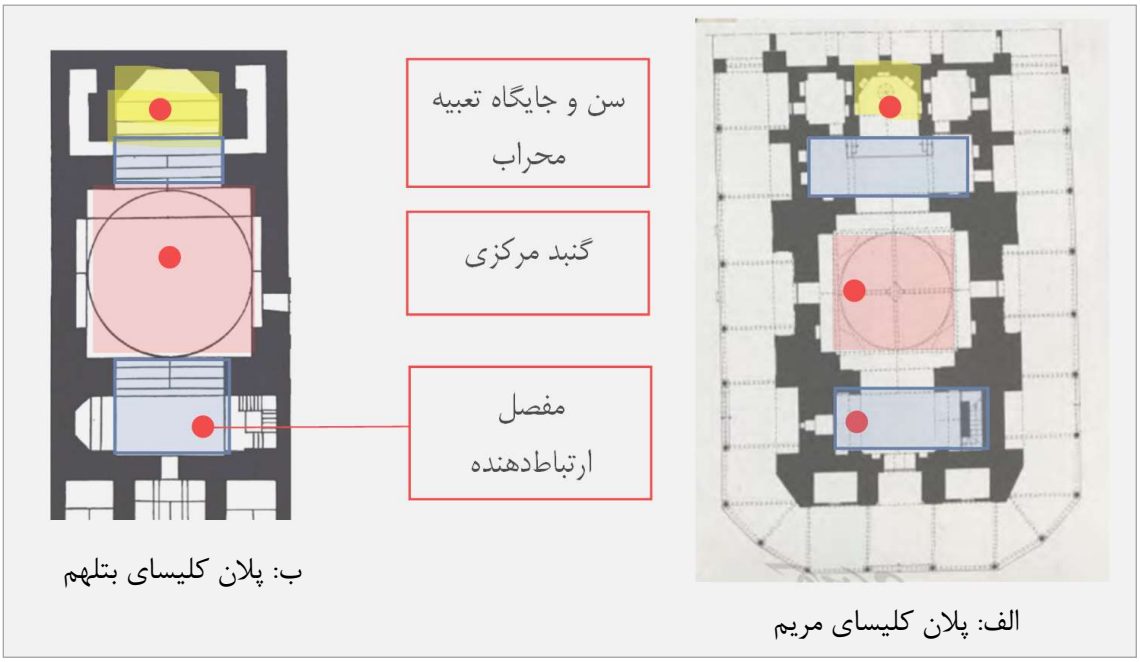


تصویر ۱۲. تحلیل فرمی و مقایسه تطبیقی کلیسای مریم مقدس و بتلهم در جلفای اصفهان (برگرفته از حق نظریان، ۱۳۸۵ و با تحلیل نگارندگان، ۱۴۰۰)

جدول۱: تحلیل مصادیق تأثیرگذاری عوامل حسادت و رقابت در ساختار میراث معماری اصفهان در دوران صفوی و قاجار

| شماره | عوامل مؤثر در پیوند حسادت و رقابت در ساختار بناهای تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار | تبیین مصادیق تأثیرگذاری حسادت و رقابت در ساختار بناهای تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار |
|---|---|---|
| ۱ | رقابت با دیگران | - احداث تعداد مشابه عمارت همگون از نظر عملکرد (هفت مدرسه صدری در مقابل هفت مدرسه صفوی)؛<br>- ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون؛<br>- ایجاد فضاهای شهری مشابه، همگون با جای‌نام گذاری مشابه؛<br>- به قتل رساندن یا فراری دادن معمار توانمند بنا؛<br>- توسعه بنا و ساخت ابنیه هم‌پیوند با خانه همچون مسجد و حمام سرخانه؛<br>- رقابت و حسادت در نظام استاد و شاگردی در بین معماران، بنایان و سایر هنرمندان حوزه تزیینات ابنیه در خلق عناصر، فضاهای معماری و تعیین جای‌نام تأثیرگذار بوده است؛<br>- خلق و ترکیب فضاها و عناصر معماری نامتعارف. |
| ۲ | ممانعت از تأثیر حسادت رقیبان | - تغییر عملکرد عناصر و فضای معماری؛<br>- سازماندهی هسته بیرونی در خانه‌ها برای جداسازی مسیر رفت و آمد بیگانگان (افرادی به غیر از اهل خانه و خویشاوندان نزدیک)؛<br>- ایجاد تغییرات و تحولات در چیدمان فضایی (کاربرد نمک و اسپند)؛<br>- ایجاد تغییرات و تحولات در مضامین تزیینات (کاربرد آیه ۵۱ سوره قلم در بین سطوح تزیینات و سردر ورودی ابنیه) |
| ۳ | داشتن انگیزه در به دست آوردن موقعیتی نوین و کسب رضایت افراد (رقابت و چشم و هم‌چشمی در ازدواج، رقابت و حسادت‌ها در بستر زندگی خانوادگی، جبران و بخشش اشتباهات و خطاهای بزرگان توسط عالمان و مردم عادی) | - علت و انگیزه اصلیِ بانی در سرمایه‌گذاری جهت ساخت بنا؛<br>- ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون؛<br>- ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون در همسایگی و مجاورت یکدیگر؛<br>- علت و انگیزه بانی در سرمایه‌گذاری جهت ساخت بنا (گاهی حتی جای‌نام بنا نیز تحت‌تأثیر انگیزهٔ اصلی بانی جهت احداث اثر، تعیین می‌شده است.) |
| ۴ | تجربه تحقیر شدن | - علت و انگیزه اصلیِ بانی در سرمایه‌گذاری جهت ساخت بنا؛<br>- ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون؛<br>- ایجاد ساختارهای کالبدی مشابه و همگون در همسایگی و مجاورت یکدیگر. |

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

## نتیجه‌گیری

در دوران صفوی و قاجار که امکانات رسانه‌ای همچون امروز ابعاد متنوعی نداشت، گاهی آفرینش بناهای فاخر ابزاری رسانه‌ای جهت برجسته‌سازی فرد بانی، معمار و سایر انسان‌های مرتبط با خلق اثر بوده است؛ به‌طوری که احداث بناهای فاخر، زمینه مقایسه اجتماعی را در سطوح متنوع موقعیت شغلی و طبقاتی، قومی و فراملی فراهم می‌آوردند و منجر به کسب منزلت اجتماعی می‌شده است. انسان‌های هم‌پیوند با بنا در نقش‌های متنوع همچون بانی، معمار، استاد، شاگرد و کاربر فضا در روند ساختن و بهره‌برداری از بناها نقش تأثیرگذاری دارند. در این مقاله به فهمی گسترده از تأثیر دو مؤلفه حسادت و رقابت در پیوند انسان و ابنیه تاریخی دوران صفوی و قاجار اصفهان پرداخته و صورت‌بندی نوینی از رده‌های تأثیرگذاری حسادت و رقابت در ساختار میراث معماری اصفهان ارائه شده است. حس حسادت و رقابت در انسان‌های هم‌پیوند با ابنیه تاریخی باعث شده که آن‌ها اقدام به کارگزاری و آفرینش میراث ماندگاری کنند. این بانیان معمولاً از عاملین حکومت (همچون صدر اصفهانی) یا ثروتمندان بودند. گاهی این حسادت و رقابت‌ها با زمینه تقلید خلاق معطوف شده و آثار ثانی که خلق می‌شد معمولاً در عین همگونی نسبت

به اثر اولیه زمینه‌های ظرافت و تشخص بیشتر را نیز داشت. همین طور مؤلفه‌های حسادت و رقابت در برخی موارد منجر به خلق بنایی در مجاورت یا همسایگی اثری که باعث حسادت و رقابت بوده، می‌شده است. گاهی نیز با آفرینش الگوها و فضاهای معماری نامتعارف همراه بوده است (مانند ترکیب دو گنبدخانه در محور اصلی مسجد جامع عتیق اصفهان) یا منجر به تغییر عملکرد پاره‌ای از عناصر معماری می‌شده است (همچون ممانعت از اذان‌گویی در چهارمنار مسجد جامع عباسی). حسادت و رقابت در ایجاد افزوده‌های نوین در چیدمان داخلی و لایه تزیینات، توسعه بنا و تعیین جای‌نام ابنیه نیز آثار بارزی را ایجاد کرده است. به‌طورکلی، واکاوی در وجوه فراکالبد میراث معماری اصفهان به آشکارسازی جنبه‌های مهجورمانده متنوعی منجر خواهد شد که هریک از وجوه فراکالبد با بنیان‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که درپی روابط انسان و بنای تاریخی حاصل شده، می‌تواند به‌صورت نوآورانه، مدخلی برای پژوهشی نوین در آینده و ادامه این بحث باشد. در ادامه این پژوهش می‌توان به واکاوی تأثیر سایر احساسات و هیجانات انسانی هم‌پیوند با آفرینش و تداوم بناهای تاریخی همچون ترس و ناامنی پرداخت.



## پی‌نوشت

۱. ولید هفت سال مالیات شام را به ساخت مسجد جامع دمشق اختصاص داد و هجده کشتی زر و سیم از راه جزیره قبرس به آن‌جا آورد. دربارهٔ انگیزهٔ ساختن مسجد نیز این‌گونه ذکر شده که شام پایگاه نصارا بوده، در آن کلیساهایی زیبا بوده که هنر بسیار در آن‌ها به کار رفته و شهرت داشتند. از این جهت ولید برای مسلمانان مسجدی ساخت تا چشم و دل ایشان را از آن‌ها سیر کند و آن را در زمرهٔ یکی از عجایب جهان ساخت؛ مسجدی برای هماوردی و رقابت با مسیحیان تا چشمِ دلِ مسلمانان را سیر کند (مقدسی، ۱۳۶۱).

۲. بانی دیوار حسادت روبرت راچفورد بود. او عمارتی عظیم در قرن ۱۸م برای استفاده شخصی در ایرلند بنا می‌کند. چند سال بعد نیز برادرش عمارتی بزرگ‌تر در همسایگی این عمارت ساخت. به‌طوری که به باغ و عمارت روبرت دید و منظر داشت. روبرت تحت تأثیر احساس حسادت خود، دیواری عظیم در مقابل عمارت برادر ساخت تا دو عمارت به یکدیگر مشرف نباشند. همین مسئله باعث شد که دیوار مذکور به نام دیوار حسادت باشد(URL:1).

۳. در البلدان نقل شده که شاپور بعد از احداث مناره‌ای باشکوه، از معمار آن پرسش می‌کند که آیا نظیر این عمارت یا بهتر می‌توانی در آینده احداث کنی؟. بعد از شنیدن پاسخ مثبت معمار دستور می‌دهد که او را از بالای مناره به پایین پرت کنند تا زندگی‌اش پایان یابد (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۸۱۱-۸۰۹).

۴. در این چند بیت بیان حسادت و رقابت نسبت به آثار معماری برتر معمار در آینده مطرح شده است:

گفت اگر مانمش به زور و به زر — به ازینی کند به جای دگر
نام و صیت مرا تباه کند — نامه خویش را سیاه کند
کارداران خویش را فرمود — تا برند از دِز افکنندش زود

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۰)

۵. براساس فزونی ثروت، خانه ثروتمندان اصفهان در دوران صفوی و قاجار تا پنج دستگاه مشتمل بر: ۱. بیرونی، ۲. اندرونی، ۳. طویله و بهاربند، ۴. باغچه، ۵. خانه غلامان توسعه می‌یافته است (همایی شیرازی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۵۱۹).

۶. در روایتی آمده است پیامبر صلی‌الله علیه و آله در مسجد نشسته بود و قرآن می‌خواند و مشرکان بر در مسجد انتظار می‌کشیدند تا هنگام خروج پیامبر، او را چشم بزنند؛ در همان حال جبرئیل علیه‌السلام آیه «و إِن یَکاد» را نازل کرد و به پیامبر گفت که آن را تلاوت کند تا از چشم زخم آنان در امان باشد (کاشانی، ۱۳۸۸، ج۹: ۳۹۰).

## فهرست منابع

- ابن‌فقیه، احمد بن محمد (۱۳۴۹). **ترجمه مختصرالبلدان: بخش مربوط به ایران**. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آذری، علاءالدین (۱۳۵۰). کلیسای بتلهم. *مردم‌نامه*. شماره ۱۰۹، ۲۹-۲۶.
- پرتویی، پروین (۱۳۸۷). **پدیدارشناسی مکان**. تهران: فرهنگستان هنر.

- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). **سفرنامهٔ پولاک (ایران و ایرانیان)**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۷). **سبک‌شناسی معماری ایرانی**. چاپ هشتم. تهران: سروش دانش.
- جابری انصاری، میرزا حسن‌خان (۱۳۵۸). **تاریخ اصفهان**. اصفهان: مشعل.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۹۱). **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**. چاپ دوم. تهران: ساوالان.
- حق‌نظریان، آرمن (۱۳۸۵). **کلیساهای ارامنه جلفای نو اصفهان**. چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- خان‌محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). افسانه سنمار. *صفه*. دوره سوم: (۱۲و۱۱)، ۶-۲.
- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵). **سفرنامه از خراسان تا بختیاری**. ترجمه محمدعلی فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دانشپور، سید الهادی، منصور سپهری‌مقدم و مریم چرخچیان (۱۳۸۸). تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. *هنرهای زیبا*. دوره اول، ۳۸، ۴۸-۳۷.
- درووِیل،گاسپار (۱۳۶۷). **سفر در ایران**. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم. اصفهان: مانا.
- درهوهانیان، هاروتون (۱۳۷۹). **تاریخ جلفای اصفهان**. لئون میناسیان، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی. چاپ اول. اصفهان: زنده‌رود با مشارکت نقش خورشید.
- دستغیب، سیدعبدالحسین (۱۳۶۱). **اخلاق اسلامی**. محمدهاشم دستغیب. شیراز: کانون تربیت.
- _____ (۱۳۶۲). **معارفی از قرآن**. شیراز: کانون تربیت.
- دلاور، علی (۱۳۸۰). روش‌شناسی کیفی. *فصلنامه راهبرد*. سال نوزدهم(۵۴)، ۳۲۹-۳۰۷.
- راوندی، مرتضی (۱۴۰۱). **تاریخ اجتماعی ایران و کهن‌ترین ملل باستانی از آغاز تا اسلام**. تهران: شرکت کتاب.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۹). **سفرنامه شاردن**. ترجمه حسین عریضی. اصفهان: گلها.
- شفیعی، سمیه‌السادات (۱۳۹۶). مطالعه جنسیتی باورهای عامیانه در عصر قاجار. *فصلنامه علوم اجتماعی*. سال بیست و ششم (۷۸)، ۱۰۵-۷۷.
- شیری، قهرمان (۱۴۰۰). خصوصیات زبانی و ادبی نثر تحلیلی در عصر ناصری و مشروطه. *پژوهش‌های نظم و نثر پارسی*. سال پنجم، (۱۲)، ۱۶۵-۱۲۱.
- صافیان اصفهانی. محمدرضا (۱۳۹۶). **دانش‌نامه مکتب معماری اصفهان**. چاپ اول. اصفهان: ترانه پدرام.
- علیزاده مقدم، بدرالسادات (۱۳۹۸). حیات اجتماعی دوره صفویه از منظر تذکره نصرآبادی. *تاریخ و فرهنگ*. (۵۱)، ۲. ۱۵۱-۱۳۵.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۸۶). **احیاء علوم‌الدین**. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران: علمی و فرهنگی.
- فقیه‌حقانی، موسی (۱۳۸۹). **خانه مشروطیت اصفهان؛ نیم قرن بیداری اسلامی**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فولادوند، محمدمهدی (۱۳۷۶). قرآن کریم. تهران: دارالقرآن الکریم.
- قاسمی سیچانی، مریم و حریری، آزاده (۱۳۹۹). **خانه‌های قاجاری اصفهان**. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- _____ (۱۳۹۹). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در معماری سنتی از منظر استادکار بهرام الیکی. *فصلنامه علمی ترویجی اخلاق*. دوره شانزدهم (۴۰)، شماره پیاپی ۱۴۷، ۱۴۵-۶۲.
- قیومی بیدهندی، مهرداد و شمس، امید (۱۳۹۱). درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران. *مطالعات معماری ایران*.۲، ۲۵-۵.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۸۸). **منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین**. قم:
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). **سفرنامه کمپفر**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- گورنیه، بئاتریس و اگنس روسو (۱۳۸۵). **غلبه بر حسادت**. ترجمه فروزان تجویدی. تهران: جیحون.
- لمتون، آن‌کاترین سواین فورد (۱۳۶۲). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- لندور، آرنولد هنری ساویچ (۱۳۸۸). **اوضاع سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت**. ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.

- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹). **مسجد جامع اصفهان**. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). **احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم**. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۳۹). **اخلاق محتشمی و سه رساله دیگر او**. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم معقول و منقول.
- _____ (۱۳۶۴). **اخلاق ناصری**. ترجمه مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی
- _____ (۱۳۵۶). **اخلاق ناصری**. تهران: خوارزمی.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۰). **هفت پیکر**. تهران: آتلیه هنر.
- ولیزاده اوغانی، محمدباقر و وفایی پورسرخابی، الناز (۱۳۹۷). اخلاق و ارتباط آن با معماری. *اندیشه معماری*. سال دوم (۴)، ۱۸-۱.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۵). **هستی و زمان**. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: ققنوس.
- همایی شیرازی اصفهانی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). **تاریخ اصفهان مجلد جغرافیای اصفهان**. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (سمت).
- هولستر، ارنست (۱۳۸۲). **هزار جلوهٔ زندگی: تصویرهای ارنست هولتسر از عهد ناصری**. چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی.

- Canter, D.(1977). **The Psychology of Place**. Architectural Press. London.
- Clanton, G. (2006) .Jealousy and Envy. *In: Handbooks of the Sociology of Emotions*. by Stets, J. E. & J. H. Turner(Ed.), NewYork: Springer Science Business Media.
- DeSteno, David. Valdesolo, Piercarlo & Bartlett, Monica Y. (2006).Jealousy and the Threatened Self: Getting to the Heart of the Green-Eyed Monster. *Journal of Personality and Social Psychology*. 91(4): 641-626.
- Messy, D. (1994). **Space, Place and Gender**. Minnesota: University of Minnesota Press.
- Relph, E. (1976). **Place and Placelessness**. London: Pion Limited.
- Rook, Laurens & Daan van Knippenberg. (2011) . Creativity and Imitation: Effects of Regulatory Focus and Creative Exemplar Quality. *in Creativity Research Journal*. Vol. 23(4) , pp. 346-356.
- Salovey, P.(1991). **The psychology of jealousy and envy**. Guilford Press.
- Steel, Fritz. (1981). **Sense of Place**. United states of America: CBI Publishing Company.
- URL 1: www.magiran.com/article/3714885 (access date: 2022/01/9).

Received: 2022/01/27
Accepted: 2022/10/03





# Analysis of the Effects of Jealousy and Competition Factors in the Process of Construction and Function of Safavid and Qajar Historical Monuments in Esfahan province

**Azadeh Hariri*** **Behnam Pedram****

**Abstract**

Numerous factors have been influential in the creation of Iranian architectural heritage, and due to the diversity of these factors, the physical and material aspects that have a tangible field of perception have often been studied and analyzed. This is while other influential aspects with non-physical nature have been effective in the formation of architectural structure in the context of human and building communication. The moral characteristics of human beings in the form of founders, architects, artists, and users of buildings have also influenced the physical and functional structure of historical buildings. Jealousy and competition as human feelings and emotions have been influential in the construction process and functional system of some historical monuments of Isfahan province during the Safavid and Qajar eras. During this period, architectural creations have sometimes been a means to show the splendor, durability, and social status of the founder. Abandonment of the position of the two components of jealousy and competition as a compelling emotion in the connection between man and the monument has been the primary motivation for entering the present study. The main goal to respond to the effects of jealousy and competition in the structure of Isfahan's historical monuments is as follows: By analyzing the effects of jealousy and competition as fundamental components in the connection between human beings and historical monuments, the changes, and signs in the structure of historical monuments in Isfahan province should be explained. This research has been conducted by a descriptive-analytical method with the aim of development and by using library documents, field studies, and interviews. The findings have been analyzed using a qualitative approach through comparison and interpretation. Based on the research results, research background, and documentary studies on the subject, the relationship between the effects of jealousy and competition in the structure of historic buildings can be analyzed in the following eight general areas: 1- Cause and motivation in investing in building a building, 2- Creating similar and homogeneous physical structures, 3- Creating similar and homogeneous physical structures in the neighborhood and proximity to each other, 4- Creating and combining unconventional spaces and architectural elements, 5- Changing performance Spaces and architectural elements, 6- Creating new additions in interior layout and organization, 7- Building development and 8- Determining the Place-Name.

**Keywords:** Esfahan province, Historical monuments, The connection between humans and the historical monument, Jealousy and competition

* Ph.D. in Restoration of Historic Monuments and Sites, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author). *hariri arc@gmail.com*

** Associate Professor in Restoration of Historic Monuments and Sites, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran . *b.pedram@aui.ac.ir*